

تحلیلی بر گفتمان تربیتی حضرت امام خمینی(ره): سیلان بین «همه» و «هیچ»

دکتر محمدرضا شرفی جم*
ام‌البینین (فاطمه) حسین‌زاده**

چکیده

این مقاله با ارائه تصویری از افکار بلند امام خمینی(ره) و فلسفه حرکت بزرگ تربیتی او در صدد پی بردن به راز نفوذ عمیق کلامش در جان و روح مخاطبان اوست، تا دریچه‌ای نو به حوزه گفتمان‌های تربیتی گشوده و بدین وسیله موارث تربیتی امام(ره) را بیش از پیش به خدمت اهداف خطیر مسئولان امر تعلیم و تربیت درآورد. در این پژوهش که به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است، به بررسی مختصات و ویژگی‌های پیام‌های مکتوب به‌جامانده از امام خمینی(ره) که مخاطبان آنها ملت ایران بوده، پرداخته شده است. بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش حاکی از آن است که در کنار ویژگی‌های منحصر به فردی چون تواضع در برابر مخاطبان، عشق به مخاطبان، اعتماد به مخاطبان، احترام به مخاطبان، استفاده از مفاهیم مورد پذیرش همه، مستند بودن پیام، سادگی و صراحت پیام، درون‌مایه همه پیام‌های امام(ره) نشان از سیلانی آگاهانه و عرفانی بین دو مفهوم «همه» و «هیچ» بوده است. او در عین حال که خود را در برابر «همه» - خدا و مردم - در شمار نمی‌آورد، در سطحی دیگر «همه» - جهان و هرچه در او هست - را در برابر خدا «هیچ» می‌داند. حرکت از «هیچ» به سوی «همه چیز» حرکتی است که او به سوی خدا آغاز می‌کند و دیگران را هم بدان فرامی‌خواند.

واژه‌های کلیدی: امام خمینی(ره)، تعلیم و تربیت، گفتمان تربیتی، تحلیل محتوای کیفی

مقدمه

پرداختن به گفتمان تربیتی رهبر بزرگ‌ترین انقلاب مردمی قرن بیستم، کار آسانی نیست؛ از یک سو سخن از مردی است که آنچنان به ما نزدیک است که فاصله گرفتن از او با هدف ارزیابی و تحلیل گفته‌ها و نوشته‌هایش سخت به نظر می‌رسد؛ و از سوی دیگر او در نوشته‌ها و گفته‌ها و در ابعاد مختلف نظرات خود چنان سادگی و پیچیدگی را به هم آمیخته است که به نظر می‌رسد، دستیابی به قله‌های بلند افکارش دور از دسترس است. با این همه او چنان در افکار و آرای خود - در شئون مختلف - منسجم است که رسیدن به تحلیلی متقن از گفتمان تربیتی او، دست‌یافتنی می‌نماید.

درباره انقلاب امام خمینی (ره) و حرکت انقلابی او کتب و مقالات فراوانی نوشته شده است. تحقیق حاضر درصدد ارزیابی و تحلیل مختصات و مشخصات گفتمان تربیتی امام خمینی (ره) است تا دریچه‌ای دیگر، به افکار بلند او و فلسفه حرکت تربیتی بزرگ او بگشاید و به این وسیله درصدد گشودن راهی برای پی بردن به راز نفوذ عمیق کلامش در جان و روح مخاطبان اوست. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش این است که امام (ره) با مخاطبان خود چگونه و از چه منظری سخن می‌گفت؟

در تلاش برای پاسخ به این سؤال، به منظور بررسی و ارزیابی سخنان امام (ره) از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است، تا به شیوه اصیل‌تری به توصیف و تحلیل متون سخنان پرداخته شود. آنچه لازم به ذکر به نظر می‌رسد این است که به سبب حجم زیاد گفته‌ها و نوشته‌های به‌جامانده از امام (ره)، در این پژوهش به‌طور اخص به پیام‌های مکتوب امام از سال ۱۳۲۳ تا ۱۳۶۸ که مخاطبان آن مردم ایران بوده‌اند، پرداخته شده است. در این بین، وصیت‌نامه سیاسی - الهی حضرت امام (ره) نیز به عنوان طولانی‌ترین، جامع‌ترین و آخرین پیام مکتوب او به ملت ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

مقاله حاضر شامل چهار قسمت اصلی است؛ در قسمت اول با عنوان «روی سخن با همه» که حاکی از درون‌مایه جهان‌شمول پیام‌های امام (ره) است، به بخشی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این پیام‌ها که عبارت‌اند از: عشق به مخاطبان، اعتماد به مخاطبان، قدرشناسی از مخاطبان، استفاده از مفاهیم مورد پذیرش همه، مستند بودن ارجاعات پیام و سادگی و صراحت پیام، نیز پرداخته می‌شود. این عناوین به این دلیل ذیل عنوان «روی سخن با همه» آمده‌اند که به نظر می‌رسد این ویژگی‌ها در پیام‌های امام (ره) لازمه ایجاد ارتباط وسیع و عمیق با مخاطبان بوده و در بطن چنین رویکردی قرار داشته‌اند. بخش دوم مقاله با عنوان

«هیچ در برابر همه» به جایگاهی که امام(ره) برای خود در برابر مخاطبان قائل بوده است، می‌پردازد. این بخش شامل چهار عنوان: احترام به مخاطبان، تذکر و توصیه به جای دستور، دادن هویت محکم به مخاطبان و تواضع در برابر مخاطبان می‌شود. در تکمیل مختصات حرکت تربیتی امام(ره) دو بخش انتهایی مقاله، ذیل عنوان «هیچ در برابر همه چیز» و «سفر از هیچ به سوی همه چیز» به نگاه ویژه امام به هستی و هرچه در او هست اختصاص دارد و به ارائه شواهد این دیدگاه، در پیام‌های امام(ره) می‌پردازد.

در پایان لازم به ذکر است، عناوینی که در هر بخش آورده شده است به تناسب تحلیل ارائه شده برگرفته از اشعار عرفانی امام خمینی(ره) است. این عناوین در بردارنده نقاط عطف پیام‌های امام خمینی(ره) و فلسفه تربیتی او در قالبی ادبی و عرفانی‌اند. «روی سخن با همه» از مهم‌ترین ویژگی‌های پیام‌های امام(ره) و اولین بخش این مقاله است.

روی سخن با «همه»^۱

پیام‌های امام خمینی(ره) را از نقطه نظر نوع مخاطبان می‌توان در دو بخش عمده مورد بررسی قرار داد؛ بخش اول پیام‌هایی که مخاطبان عام دارند و این مسئله در متن پیام به صراحت ذکر شده است، مثل وصیت‌نامه سیاسی - الهی امام(ره) که در پیشگفتار آن، امام(ره) صراحتاً خاطر نشان می‌کند که خطاب ایشان در این پیام «به همه ملل اسلام و همه مظلومان جهان از هر ملت و مذهب» است (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۹). گروه دوم، شامل پیام‌هایی می‌شوند که به مخاطبان خاص نوشته شده است. این بخش شامل پیام‌های امام(ره) به سران کشورهای دیگر، اشخاص، صنوف و گروه‌های خاص دولتی و مردمی و... می‌شود. گرچه این تحقیق همان‌طور که در بخش پیشین آمده است، تنها به بررسی پیام‌هایی از امام(ره) می‌پردازد که مخاطبان آن ملت ایران بوده‌اند؛ با این وجود، بررسی‌ها حاکی از آن است که در همه این پیام‌ها روی سخن ایشان با همه انسان‌ها بوده است.

چنین رویکردی در پیام‌های امام(ره) دارای سطوح مختلف است؛ به این معنی که در سطح اول که شامل پیام‌های امام(ره) خطاب به ملت ایران در مقاطع حساس زمانی است، روی صحبت امام(ره) محدود به قشر خاصی از مردم نمی‌شود و امام(ره) همه اقشار مردم را مورد خطاب قرار می‌دهد و به روشنی از همه گروه‌ها نام می‌برد. به عنوان مثال «ملت عزیز ایران و رزمندگان و مسئولین محترم جمهوری اسلامی...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰،

۱. برگرفته از بیت «ما ندانیم که دلبسته اویم همه...»، دیوان اشعار امام خمینی(ره)، ص ۱۷۹.

ص ۳۱) یا «ملت از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه» یا «همه قشرهای ملت، هر طایفه‌ای از طوایف ملت...» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۴۷) و یا بیان عباراتی مانند: «همه مسئولیم و همه باید در پیشگاه خدا و خلق خدا جواب تهیه کنیم و در این زمان که فرصتی ارزنده داریم از هیچ کس هیچ عذری پذیرفته نیست و همه باید به مقدار توان خویش... کوشش نماییم» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۳۲۳)، یا «ما دستمان را پیش ملت دراز می‌کنیم، و از ملت می‌خواهیم که همه در این نهضت شرکت کنند و همه دست برادری به هم بدهند...» (همان، ج ۸، ص ۱۸۰) که به‌وفور در پیام‌های ایشان، خطاب به ملت ایران دیده می‌شود.

در همین راستا در سطح دیگر، پیام‌هایی قرار می‌گیرند که گرچه به لحاظ ظاهر به مخاطب یا مخاطبان خاص - در این پژوهش، ملت ایران - نگاشته شده‌اند، ولی در متن، شامل خطاب‌های متنوعی به سطوح بسیار گسترده‌ای از مخاطبان می‌شوند. از این منظر، حجم پیام‌هایی که مخاطبان آنها ملت ایران بوده، ولی مرزهای زمان و مکان را درمی‌نوردند بسیار چشمگیرند. این امر نشانگر این حقیقت است که سخن امام(ره) محدود به ملت ایران نبوده و شامل همه ملت‌هایی می‌شود که در وضعیت مشابه قرار دارند. به‌طور مثال در متن وصیت‌نامه مکرراً از خطاب‌هایی چون: «ملت ما بلکه ملت‌های اسلامی و مستضعفان جهان» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۳)، «همه نسل‌های حاضر و آینده» (همان، ص ۱۹)، «مسلمان و غیر مسلمان» (همان، ص ۷ و ۸)، «مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی، ملت‌های اسلامی» (همان، ص ۲۴)، «ملت‌های ستمدیده جهان» (همان، ص ۳۶) و اشاراتی از این دست، استفاده شده است. علاوه بر این بیاناتی نظیر این جملات: «مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی‌انتهایی که انقلاب اسلامی ما برای همه جهان‌خواران آفریده است احساس غرور و آزادی می‌کنند...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۸۲) یا «آغاز پنجمین سال رسمیت جمهوری اسلامی را به ملت شریف ایران و ملت‌های مظلوم تحت فشار ستمگران بومی و اجنبی تبریک می‌گویم و نجات ملت‌های دربند را از خداوند قادر متعال خواستارم» (همان، ج ۱۷، ص ۳۹۰) و نظایر آنها، شواهدی بر این مدعا هستند.

اما در سطحی عمیق‌تر - که شامل محتوای همه پیام‌ها است - آنچه گاهی بارز و به‌صراحت و گاه مستتر است، جهانی بودن اصول بنیادینی است که براساس آن و از دریچه آن سخن گفته شده است. از این منظر، مخاطبان امام(ره) نفوس پاک و الهی همه انسان‌ها

بوده‌اند. بنابراین او با رویکردی الهی با مخاطبانش سخن می‌گوید و چون پیامبران از اصولی که پایه همه ادیان و مذاهب الهی را تشکیل می‌دهد حرف می‌زند. از همین روست که امام(ره) در ابتدای وصیت‌نامه سیاسی - الهی خود به شرح حدیث ثقلین^۱ که آخرین وصیت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام(ص) به مسلمانان است، می‌پردازد و آن را «حجت قاطع بر جمیع بشر» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۳) معرفی می‌کند. در مقدمه همین پیام است که او به معرفی قرآن - کتاب آسمانی مسلمانان - پرداخته و آن را «بزرگ‌ترین دستور زندگانی مادی و معنوی برای همه انسان‌ها و نقطه جمع عائله بشری» (همان، ص ۳ و ۴) و «بزرگ‌ترین نسخه نجات‌دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند» (همان، ص ۴)، معرفی می‌کند. او همچنین، در ابتدای آخرین پیام مکتوب خود به صراحت خاطر نشان می‌کند که «وصیت سیاسی - الهی اینجانب اختصاص به ملت عظیم‌الشأن ایران ندارد، بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می‌باشد» (همان، ص ۱۳). شواهدی از این دست، نشان‌دهنده یکی بودن رسالت او با رسالت پیامبر اکرم(ص) و ایمان او به وجود گرایش‌های فطری یکسان در همه انسان‌ها و الهی بودن آنهاست و بنابراین همچون پیامبر(ص)، مخاطبان پیام‌های او، شامل جان‌ها و نفوس همه انسان‌ها می‌شوند.

به نظر می‌رسد چنین رویکردی است که مشخصات بیرونی کلام او را نیز با درون‌مایه‌ای الهی عجین کرده است. بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های منحصربه‌فردی چون عشق به مخاطبان، اعتماد به مخاطبان، احترام به مخاطبان، تواضع در برابر مخاطبان، استفاده از مفاهیم مورد پذیرش مخاطبان، مستند بودن پیام و سادگی و صراحت پیام، از مشخصات ویژه گفتمان تربیتی حضرت امام خمینی(ره) محسوب می‌شود. در ادامه، این ویژگی‌ها به اجمال مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

عشق به مخاطبان: نشانه‌های عشق امام(ره) به مردم - به عنوان اصلی‌ترین مخاطبان پیام‌هایش - در جای‌جای پیام‌های امام(ره) به وضوح دیده می‌شود. خطاب‌ها، عبارات و بیانات زیادی از پیام‌های او به مردم ایران حاکی از همین عشق سرشار است. به عنوان مثال امام(ره) در پیامی به ملت ایران می‌نویسد: «ملت شریف ایران، من فرد فرد شما را چون

۱. حدیث ثقلین آخرین و مهم‌ترین وصیت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام(ص) به مسلمانان است که آنها را به پاسداری از کتاب خدا و خاندان پاکش فرامی‌خواند.

فرزندان خویش می‌دانم. و شما می‌دانید که من به شما عشق می‌ورزم...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۹۵) یا اینکه می‌نویسد: «فرزندان انقلابی‌ام،... شما بدانید که لحظه‌لحظه عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می‌گذرد...» (همان). امام (ره) همچنین در متن پیام‌ها از خطاب‌هایی نظیر: «فرزندان عزیز جهادی‌ام...» (همان، ص ۲۰۴)، «همه فرزندان عزیزم در جبهه‌های آتش و خون...» (همان، ص ۹۷)، یا «برادران عزیز ارتشی‌ام!... فرزندان انقلابی‌ام!...» (همان، ص ۲۰۴) خطاب به اقشار مختلف مردم استفاده می‌کند. این خطاب‌ها زمانی معنی‌دارتر به نظر می‌رسند که براساس بررسی‌های این پژوهش، امام (ره) صفت عزیز را فقط برای سه موصوف استفاده کرده است؛ اسلام، میهن و مردم. امام (ره) در زمان تبعید نیز در پیام‌های خود از اینکه در رنج‌ها و غم‌های ملت ایران در کنار آنها نیست، ابراز ناراحتی می‌کرد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۷) و اینکه در آخرین پیامش به ملت نیز خود را خدمتگزار مردم می‌نامد (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۹۰) علاوه بر این او برای مسلمانان و مظلومان خارج از مرزهای ایران هم دارای چنین احساسی است. از نشانه‌های دیگر این عشق این است که امام در همه پیام‌ها بدون استثناء برای همه ملت‌ها دعا می‌کند و بر همین اساس است که سران کشورهای اسلامی را به خدمتگزاری امت اسلامی توصیه می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۴۶۰) و اینکه در ایام تبعید در نجف «از مسلمین بیدار و آگاه و به‌خصوص بندگان خالص خداوند و علمای اعلام» می‌خواهد که «برای رهایی مسلمین از چنگال خبیث اجانب» دعا کنند، (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۴۶۱) همه شواهدی از عشق عمیق او به همه مردم و همه انسان‌هاست.

آنچنان که اشاره شد، ردپای این عشق را در پیام‌های بسیاری که در مقاطع زمانی مختلف، در روزهای سخت و زمان‌های پیروزی نوشته و صادر شده‌اند به‌وضوح می‌توان دید. اساساً نوشتن وصیت‌نامه‌ای مشحون از سفارش به مسئولان و علما و روحانیون در خدمتگزاری و رسیدگی به مردم حاکی از همین علاقه است. شاید بخشی از این علاقه امام (ره) به مردم به اعتماد قلبی او به آنها مربوط باشد. بخش بعدی این مقاله به شرح این ویژگی در پیام‌های امام (ره) می‌پردازد.

اعتماد به مخاطبان: روح اصلی پیام‌های امام خمینی (ره) سرشار از اعتماد او به مردم است. امام (ره) در آخرین پیام خود به مردم ایران که بعد از رحلت ایشان منتشر شد نوشت: «من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر، بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله (ص) و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی (ع)

می‌باشند. آن حجاز که در عهد رسول الله(ص) مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی‌رفتند... و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آن قدر بدرفتاری کردند و از اطاعتش سر باز زدند... و آن مسلمانان عراق و کوفه که... در شهادت دست‌آلوده نکردند، یا گریختند از معرکه و یا نشستند...» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۹) یا اینکه می‌نویسد: «اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندان تربیت نموده و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می‌باشیم» (همان، ص ۳۰). او همچنین در پیامی به مردم ایران می‌نویسد: «ملت شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می‌دانم... شما را می‌شناسم؛ شما هم مرا می‌شناسید...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۹۵). مانند چنین بیاناتی در مورد مردم در پیام‌های امام(ره) کم نیست و به نظر می‌رسد چنین اعتمادی است که موجبات قدردانی عمیق امام(ره) را از آنان فراهم آورده است. در قسمت بعدی به ویژگی قدرشناسی از مخاطبان در پیام‌های امام(ره) پرداخته خواهد شد.

قدردانی از مخاطبان: قدردانی از مخاطبان و دادن بازخورد به ویژگی‌های مثبت آنان مهم‌ترین بخش یک رابطه مؤثر تربیتی است. قدرشناسی امام(ره) در گفتمانی که معرف مختصات و ویژگی‌های منحصربه‌فرد حرکت تربیتی اوست، شامل همه کسانی است که در راه اسلام و کمک به مسلمانان و محرومان و ستمدیدگان، قدم پیش نهاده‌اند. از میان انبوه جملات و عباراتی که حاکی از این قدرشناسی است، می‌توان به نمونه‌های زیادی اشاره کرد که امام(ره) مستقیم یا غیر مستقیم قدردان همت آنها در عرصه‌های مختلف انقلاب و مبارزه بوده است. به عنوان مثال امام(ره) در آخرین پیام خود به مردم، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران را «دستاورد میلیون‌ها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید و آسیب‌دیدگان عزیز...» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۱۵) معرفی کرده‌اند. ایشان همچنین در وصیت‌نامه سیاسی - الهی خویش خطاب به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایند که «قدر این ملت را بدانید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید» (همان، ص ۳۲) و می‌افزایند که «اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندان تربیت نموده، و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می‌باشیم» (همان، ص ۳۰).

آنچه بر ظرافت و عمق این ویژگی می‌افزاید این است که علاوه بر این‌گونه قدردانی‌های کلی، امام(ره) متناسب با موقعیت‌های مختلف از اقشار و گروه‌های مختلف مردم نیز قدردانی کرده‌اند. به عنوان مثال ایشان دربارهٔ مفقودان و شهدا در پیامی چنین نگاشته‌اند: «مفقودین عزیز محور دریای بیکران خداوندی‌اند؛ و فقرای ذاتی دنیای دون در حسرت مقام والایشان

در حیرتند. از شهدا که نمی‌شود چیزی گفت...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۱۴۷) و دربارهٔ جانبازان گفته‌اند: «ماها و نویسندگان و گویندگان و سخنوران اگر بخواهیم ارزش عمل این شهیدان و جانبازان راه خدا و فداکاری آنان و حجم پیامد این شهادت‌ها و جان‌نثاری‌ها را بشماریم، شاید ناچار باشیم به عجز خود اعتراف کنیم، تا چه رسد به مراتب معنوی و مسائل انسانی و الهی آن، که بی‌شک عاجز و وامانده می‌باشیم» (همان، ج ۱۷، ص ۳۰۳) یا به عنوان مثال در پیامی درباره بسیجیان می‌گویند: «من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می‌خورم و از خدا می‌خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند، چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی‌ام» (همان، ج ۲۱، ص ۱۹۴) و در انتهای جنگ تحمیلی در پیامی به ملت ایران خطاب به رزمندگان می‌نویسد: «من در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه‌های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم...» (همان، ص ۹۲).

ایشان در بیانات دیگری در قدردانی از آنها می‌نویسند: «قلم و بیان اینجانب عاجز است از قدردانی و شکرگزاری از مجاهدین فداکار اسلام که با مجاهدت و جانبازی در راه هدف و حفظ آرمان‌های اسلامی و پیروزی‌های عظیم در تمام جبهه‌ها موجب افتخار و سرافرازی جمهوری اسلامی و اولیای خدا(ع) شدند. با چه بیان و قلم از جوانانی که در زندان‌های مخوف دشمن شجاعانه بر سر دشمنان بشریت فریاد می‌کشند می‌توان تعظیم نمود...» (همان، ج ۱۹، ص ۴۱). چنین قدردانی‌هایی برای اقشار دیگری از مردم، مانند مادران، پدران و فرزندان شهدا و ایثارگران (همان، ج ۱۲، ص ۲۱۰)، جنوب شهری‌های محروم و طبقه مظلوم در طول تاریخ (همان، ج ۱۷، ص ۱۶)، مهاجرین جنگ تحمیلی و مسئولان بنیاد مهاجرین (همان، ج ۲۱، ص ۳۲۹)، معلولین و آسیب‌دیدگان انقلاب (همان، ج ۱۲، ص ۲۱۰) و نظایر اینها در پیام‌های ایشان فراوان به چشم می‌خورد. بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین حجم پیام‌های امام(ره) به مردم ایران، دربرگیرندهٔ چنین قدرشناسی‌هایی نسبت به همهٔ اقشار مردم است.

استفاده از مفاهیم مورد پذیرش همه: بی‌شک استفاده از مفاهیم مورد پذیرش همه در پیام‌ها، موجب همدلی و همراهی مخاطبان و تأثیر و نفوذ بیشتر کلام در مخاطبان پیام می‌شود. از مختصات ویژه و پراهمیت گفتمان تربیتی امام(ره) این است که امام در پیام‌های خود، از این دسته مفاهیم به‌وفور استفاده کرده‌اند. با این توضیح که این مفاهیم در پیام‌های حضرت امام(ره) به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند. دسته اول مربوط به فطرت الهی همه

انسان‌ها می‌شود. مفاهیمی که از ادیان الهی از جمله اسلام، به‌وفور در پیام‌های ایشان وجود دارد، حاکی از همین رویکرد است. مبارزه با ستم و ستمگری، اتحاد و همدلی، رسیدگی به مظلومان و مستضعفان، فراست و زمانه‌شناسی... (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۲۱-۲۴) همه و همه مفاهیمی هستند که مورد پذیرش همهٔ آحاد انسان‌ها در هر زمان و مکان هستند. بخش دیگری از این مفاهیم مربوط به حوادث و موقعیت‌های جاری کشور و جهان می‌شود که برای تشریح و تبیین و بیان وظایف مخاطبان در قبال آنها از مفاهیم دستهٔ اول استفاده شده است. بنابراین در پیام‌های امام(ره) این دو دسته مفاهیم یکی پس از دیگری و در ارتباط نزدیک با هم به کار گرفته شده‌اند و بر تأثیر کلام ایشان و اعتبار و روایی آنها افزوده‌اند. بدین ترتیب شاید بتوان گفت شاکلهٔ اکثریت قریب به اتفاق پیام‌های امام(ره) به چینش و ارتباط این دو دسته مفاهیم مربوط‌اند. نمونه‌های بسیاری از این ویژگی در پیام‌های امام(ره) وجود دارد. با این حال به دلیل طولانی بودن چنین نمونه‌هایی به یک مورد از این نوع چینش اشاره می‌شود.

در پیامی که امام به مناسبت سالگرد فاجعهٔ جمعهٔ سیاه مکه صادر کرده‌اند - مانند نمونه‌های بسیاری از این دست - چینشی از مفاهیم مورد پذیرش همه به‌روشنی دیده می‌شود. در بخش آغازین پیام، گویی خطاب پیام به همهٔ انسان‌های آزاده است. امام در این بخش می‌گویند:

مسلمانان جهان در سال گذشته و برای اولین بار عید قربان را با شهادت فرزندان ابراهیم(ع) که ده‌بار از مصاف با جهان‌خواران و اذتاب آنان برگشته بودند در مسلخ عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند و بار دیگر آمریکا و آل‌سعود برخلاف راه و رسم آزادگی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی‌پناه ما کشته‌ها گرفتند و در آخرین لحظات نیز با ناجوانمردی و قساوت بر پیکر نیمه‌جان سالخورده‌گان و برده‌ان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از چه کسانی و از چه گناهی... (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۷۲).

سپس به مسائل پشت پردهٔ عوامل این فاجعه می‌پردازند: «... راهپیمایی‌های برائت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و آمریکا ختم می‌شود و درست به همین جهت است که با کشتار دسته‌جمعی زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری می‌شود...» (همان، ص ۸۳) و متعاقب آن به تبیین نتایج آن حرکت شجاعانه برای ملت ایران، سپس مسلمانان و مظلومان جهان اشاره می‌کنند:

ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشأ تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه‌کن شدن نظام‌های فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی‌نماها خواهد بود و با اینکه بیشتر از یک سال از حماسه برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خون‌های پاک شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصا نقاط عالم مشاهده می‌کنیم. اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده‌اند که بی‌محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیست‌ها مقاومت می‌کنند؟... آیا از درخت سیاست‌بازان خود فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می‌ریزد؟ این همان فریاد ملت ماست که در ایران، شاه را و در بیت‌المقدس غاصبین را به نو میدی کشاند. و این تحقق همان شعار برائت است... (همان، ص ۸۵).

بی‌شک استفاده از این نوع مفاهیم و طراحی چنین چیدمانی از این مفاهیم در یک گفتمان از ویژگی‌های مهم پیام‌های امام خمینی (ره) محسوب می‌شود.

مستند بودن ارجاعات پیام: اعتبار ارجاعاتی که در پیام‌ها به صورت پیش‌فرض ادا شده و شاکله پیام را تشکیل می‌دهد، در تأثیری که پیام بر مخاطبان می‌گذارد نقش بسزایی دارد. متناظر با بخش پیشین، به لحاظ ارجاعات کلام، پیام‌های امام (ره) از دو جنبه قابل بررسی هستند؛ ابتدا از منظر اعتقادی و سپس از نظر اجتماعی.

از نظر اعتقادی، استناد امام (ره) در همه پیام‌ها چه به صورت آشکار (نظیر وصیت‌نامه سیاسی - الهی ایشان) و چه به صورت ضمنی و مستتر متن و مفاهیم قرآن کریم است و از این منظر درون‌مایه‌ای کاملاً اسلامی - و بنابراین الهی - دارد. ارجاعات مسائل به لحاظ اجتماعی عموماً به حوادث و مشکلات روز مردم ایران یا در بعضی سطوح، مشکلات و مسائل روز مظلومان جهان و در مواردی اشاره به مسائل همه انسان‌ها در زمان خاص یا به‌طور عام دارد. امام (ره) تقریباً در همه پیام‌های عام خود ابتدا از مفاهیم دینی و اعتقادی جهان‌شمول استفاده می‌کند و به‌سرعت آنها را به مسائل روز پیوند می‌دهد. به عنوان مثال امام (ره)، در متن همان پیامی که در بخش پیشین به آن اشاره شد، صراحتاً به آیات برائت اشاره کرده و با ارائه تفسیر متقن و متناسب با موضوع می‌نویسند:

... و [سران کشورهای عربی از جمله آل‌سعود] با خود می‌گویند مگر هنوز لات و هُبل در کعبه‌اند. آری، خطرناک‌تر از آن بت‌ها، اما در چهره و فریسی نو. آنها می‌دانند که امروز حَرَم، حَرَم است اما نه برای ناس، که برای آمریکا! و کسی که به آمریکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام... و متهم به شرک خواهد شد... بزرگ‌ترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی

بسیاری از احکام الهی را درک نکرده‌اند؛ و حج با آن همه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بی حاصل و بی ثمر باقی مانده است... (همان، ص ۷۶ و ۷۷).

همان‌گونه که پیش تر اشاره شد، چنین رویکردی نشان‌دهنده این امر است که امام(ره) با استفاده از مستندترین مفاهیم و موضوعات با مخاطبانش سخن می‌گوید. این ویژگی به همراه ویژگی استفاده از مفاهیم مورد پذیرش همه و ویژگی صراحت و سادگی پیام که در بخش بعدی به آن پرداخته می‌شود موجبات نفوذ، عمق و گسترش بی سابقه پیام‌های امام(ره) در بین آحاد مخاطبان را فراهم آورده است.

صراحت و سادگی پیام: به ویژگی‌های ممتازی که تاکنون به آنها اشاره شد، باید خصیصه سادگی و صراحت پیام را نیز افزود. بنابراین امام(ره) در بیان پیام‌های خود صریح است، بدین معنا که اصل پیام را در مفاهیم ادبی و عرفانی و لفافه‌های پیچیده‌ای از این دست پنهان نمی‌کند. جملاتی که حامل توصیه، انذار، تشویق یا تحریض می‌شوند به کوتاه‌ترین و صریح‌ترین وجهی ادا شده‌اند. این امر در مورد جملاتی که حامل بار اعتقادی و مذهبی هستند نیز صادق است.

امام(ره) در پیام‌های خود از ساده‌ترین و همه فهم‌ترین کلمات استفاده می‌کند. آنچنان ساده که برای پایین‌ترین قشر تحصیلی نیز قابل فهم باشد. این در حالی است که صاحب این پیام‌های صریح و ساده به گواه آثار، کتب و نامه‌های به‌جامانده از ایشان، شاعری توانا و عارفی آگاه به عبارات و اصطلاحات عرفانی و صاحب کتاب‌های معظمی در زمینه‌های فلسفی، عرفانی و ادبی است. اگر قرار باشد برای این ویژگی پیام‌های امام(ره) نمونه‌ای آورده شود، قریب به اتفاق همه پیام‌های امام، به ویژه پیام‌هایی که خطاب به ملت ایران نوشته شده‌اند، این‌گونه‌اند. آنچنان که گفته شد، ادبیات ساده و صریحی که بدون پیچیدگی‌های زبانی بیان می‌شود و شفافیتهای که از این راه به مفاهیم پیام‌ها می‌دهد، نشانگر نوعی احترام به مخاطبان پیام‌ها و سبب نفوذ پیام‌ها در محدوده وسیع تری از مخاطبان می‌گردد.

در بخش اول این مقاله به مخاطبان اصلی پیام‌های امام(ره) و بررسی مشخصات و ویژگی‌های گفتمان تربیتی امام با آنها اشاره شد. بخش دوم این مقاله به جایگاهی که امام(ره) در برابر مردم برای خود قائل است می‌پردازد و می‌کوشد تا از لابه‌لای کلمات و جملات امام در نوشته‌ها و پیام‌های او به مردم، به تصویری که از خویش ترسیم کرده، دست یابد.

هیچ در برابر همه^۱

از خودگذشتگی و محو شدن در توده مردم و برتری دادن آنها به خود از جانب یک رهبر بزرگ ویژگی مهم و قابل تأملی است. این بخش همان‌گونه که گفته شد به بررسی پیام‌های امام خمینی (ره) از زاویه‌ای دیگر می‌پردازد و می‌کوشد تصویر خودساخته رهبری بزرگ را آن‌گونه که خود ترسیم کرده است، از لابه‌لای کلمات و جملاتش بیاید. تصویری که امام از خود ارائه می‌دهد، تصویر خادمی است که خود را در برابر مردم «هیچ» می‌داند. بر این اساس این بخش، ذیل عناوین احترام به مخاطبان، توصیه و تذکر به جای دستور، دادن هویت محکم به مخاطبان و نهایتاً تواضع در برابر مخاطبان، به تشریح و تحلیل چنین تصویری در گفتمان تربیتی حضرت امام (ره) می‌پردازد.

احترام به مخاطبان: روح گفتمان امام (ره) به گواه پیام‌های به‌جامانده از ایشان سرشار از احترام ویژه ایشان به اقشار مختلف مردم است. این احترام و بزرگداشت مخاطبان، در نوع خطاب قرار دادن آنها و از نوع بیاناتی که در وصف آنها به کار گرفته شده، کاملاً مشهود است. به عنوان مثال امام (ره) در پیامی به ملت ایران می‌نویسد:

سلام بر رزمندگان سلحشور از ارتشی، سپاهی و بسیجی تا ژاندارمری و شهربانی، کمیته‌ای و عشایری و تمامی نیروهای مردمی که انعکاس قدرتشان کاخ‌های ابرقدرت‌ها را به لرزه درآورده است... درود بر مادران و پدران و همسران و فرزندان و بستگان شهدا و جانبازان و جوانان برومند جبهه‌ها و سلام بر معلولین و مفقودین و اسرای عزیزی که افتخار اسلام و میهن اسلامی خویش می‌باشند و رحمت خداوند بر این دامن‌های پاکی که پروراننده این جوانان... (همان، ج ۱۸، ص ۳۲۶). یا مثلاً در پیامی خطاب به فرزندان شهدا، جانبازان، اسرا و مفقودین، می‌گویند: «نور چشمان عزیزم... من به شما سلام و درود می‌فرستم، و به وجود شما مباحثات و افتخار می‌کنم. و چه افتخاری بالاتر از اینکه ما در تداوم انقلابمان ذخیره‌های عظیمی همچون شما عزیزان را داریم... (همان، ج ۲۰، ص ۳۷).

نمونه‌های چنین گفتار محترمانه‌ای را می‌توان به‌وفور در پیام‌های امام (ره) مشاهده کرد. همین احترام است که امام (ره) مردم را با مسئولان، در یک جایگاه دانسته و هیچ‌گونه اجحافی را در قبال آنها بر نمی‌تابد. به‌طور مثال عباراتی چون «امروز رئیس‌جمهور، رئیس ارکان حزب، رئیس ارتش، با شما، با آن بازاری مثل هم هستید. در امر، نه او می‌تواند به

۱. برگرفته از بیت «نیستم نیست که هستی همه در نیستی است/ هیچم و هیچ که در هیچ نظر فرمایی...»، دیوان اشعار امام خمینی (ره)، ص ۱۸۷.

شما تحمیل کند... و نه شما زیر بار می‌روید...» (همان، ج ۱۲، ص ۱۸۴) از این گونه‌اند. یا در زمان انتخابات صراحتاً از حق آنها دفاع کرده و مقام بلند مردم را در انقلاب یادآوری و نهایت احترام خود را به آنها نشان داده و می‌نویسند:

همان‌طور که بارها گفته‌ام، مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند و هیچ فرد و یا گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزش‌های والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته‌اند و به این بیعت و پیمان بزرگ وفادار مانده‌اند، مسلّم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند... (همان، ج ۲۱، ص ۱۰).

علاوه بر اینها، موارد بسیار زیاد دیگری در متن پیام‌ها موجود است که نشانگر احترام و ارزش مردم در نگاه امام(ره) است. قائل بودن چنین جایگاهی برای مردم است که تذکرات و توصیه‌های او آمرانه نبوده و سرشار از احترامی شگفت به مخاطبان است. بخش بعدی به این ویژگی در گفتمان امام(ره) با مردم می‌پردازد.

تذکر و توصیه نه دستور: برای رهبر یک جامعه بزرگ انسانی که به گواه همگان محدوده آن از مرزهای جغرافیایی فراتر بود، طبیعی به نظر می‌رسد که در زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف درخواست‌هایی از مخاطبان خود داشته باشد. در بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش، آنچه در پیام‌های امام(ره) به مردم مهم به نظر می‌رسد و یکی از جنبه‌های ویژه پیام‌های ایشان را تشکیل می‌دهد، این است که توصیه‌ها و درخواست‌های امام(ره) به هیچ‌وجه مستقیم یا دستوری نبوده و ظاهر توصیه و یادآوری دارند و با خطاب‌های محترمانه و گاه عاطفی همراهند. به‌طور مثال امام(ره) در وصیت‌نامه خود خطاب به مردم این‌گونه می‌نویسند: «من اکنون به ملت‌های شریف ستم‌دیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که...» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۱۰) یا «من وصیت دلسوزانه و خادمانه می‌کنم به ملت عزیز... اینجانب نصیحت متواضعانه برادرانه [می‌کنم]...» (همان، ص ۸۶) یا به عنوان مثال این بیانات که «به عنوان یک نفر طلبه حقیر که همچون دیگر برادران ایمانی امید به این انقلاب و بقای دستاوردهای آن... دارم، به عنوان وصیت به نسل حاضر و نسل‌های عزیز آینده مطالبی هرچند تکراری عرض می‌نمایم...» (همان، ص ۱۶) یا این نمونه «نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه‌ام به جوانان عرض می‌کنم این است که...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۹۸) و با کمال جد و عجز از ملت‌های مسلمان می‌خواهم...» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۳۹)؛ یا اینکه در پیامی می‌نویسند: «من متواضعانه و

به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان... خود می‌خواهم که...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۳۴۲) و...

علاوه بر اینها همین رویه در پیام‌های ایشان نیز به‌وضوح مشهود است. به‌طور مثال عباراتی نظیر «نصیحتی است از پدری پیر...» (همان، ج ۲۱، ص ۱۱) یا در این عبارات «با نصیحتی مشفقانه و پدرانۀ از شما فرزندان خوب و باوفای خودم می‌خواهم که...» (همان، ج ۲۰، ص ۳۸) یا این عبارت «من با کمال تواضع، از این مدافعان پیروز می‌خواهم که...» (همان، ص ۲۳۳). در همین راستا ادبیات دیگری که امام (ره) به جای ادبیات امری و دستوری برمی‌گزینند، ادبیات خواهش غیر مستقیم در قالب تذکر، توصیه و دعوت است که نشانه‌هایی از آنها در نمونه‌های زیر مشهود است: «همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می‌کنم...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۹۲)؛ به حجاج محترم و زائران بیت الله الحرام، از هر کشور و هر طایفه و تابع هر مذهب هستند، متواضعانه عرض می‌کنم...» (همان، ج ۱۹، ص ۳۴۰)؛ «و در اینجا لازم است تذکراتی به خواهران و برادران محترم داده شود...» (همان، ج ۱۷، ص ۳۲۱)؛ «از شما جوانان عزیز خواستارم که...» (همان، ج ۴، ص ۱۵۷) و «من از همه ملت می‌خواهم که...» (همان، ج ۱۲، ص ۱۵۳).

نتیجه اینکه، این امر از طرفی نشانگر احترام سرشار ایشان به مردم و از طرف دیگر - همان‌گونه که در ابتدای بخش خاطرنشان شد - نشانگر فلسفه‌ای است که می‌توان آن را «هیچ در برابر همه» نامید. وجه دیگری از این دیدگاه شامل ویژگی مهم «دادن هویت محکم به مخاطبان» در گفتمان تربیتی حضرت امام (ره) است.

دادن هویت محکم به مخاطبان: آنچه مسلم است ارائه تصویری درست و واقعی از مخاطبان و برشمردن ویژگی‌های مثبت آنها در یک گفتمان تربیتی موفق نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. در این بین دادن هویتی محکم و خدشه‌ناپذیر به مخاطبان در جهت قدرت و نفوذ یک گفتمان تربیتی در بین مخاطبان گامی فراتر محسوب می‌شود. چنین رویکردی در بسیاری از پیام‌های امام (ره) به مردم به‌وضوح دیده می‌شود. به‌طور مثال، ایشان درباره ملت این چنین می‌نویسند: «مردمی که در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این و می‌دانند آنچه به دست آورده‌اند بالاتر از جنات نعیم است...» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۹) و همچنین «برای یک ملت بزرگ هیچ پیروزی‌ای بالاتر از تصمیم و عزم و اراده استوار آنان برای رسیدن به حق نیست» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۵۲) و «من بعد از خدا با مردم خوب و شریف و نجیب پیمان بسته‌ام که...» (همان، ص ۳۳۲)؛ یا

در مورد جوانان می‌گویند: «خود جوانان عزیز ما قطعات محل احتیاج را ساخته و با قیمت‌های ارزان‌تر عرضه کرده و رفع احتیاج نمودند و ثابت کردند که اگر بخواهیم می‌توانیم...» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۳۹)، همچنین درباره بسیج می‌فرمایند: «بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت‌یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی‌نشانی گرفته‌اند. بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده‌اند» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۱۹۴) یا در بیان دیگری می‌نویسند: «چشم امید من به شما سازندگان پرشور و نشاط اسلامی است» (همان، ص ۲۰۴).

این رویکرد در خطاب‌های ایشان به مردم نیز مشهود است، خطاب‌هایی مانند: «جوانان عزیز کشورمان... این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و... این گل‌های معطر و نوش‌گفته جهان اسلام...» (همان، ص ۹۶)؛ «این فرزندان اسلام...» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۱۵)؛ «ملت بیدار و هوشیار ایران...» (همان، ص ۲۵)؛ «ملت مقاوم ما...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۳)؛ «ملت شریف و قهرمان ایران...» (همان، ص ۲۴)؛ «ملت دلاور ایران...» (همان، ص ۸۶)؛ «ملت شجاع ایران...» (همان)؛ «شما ملت عظیم‌الشأن...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۱۵۰)؛ «ملت پرکرامت اسلام...» (همان، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۱۲۲)؛ «سربازان گمنام و سرداران دلاور...» (همان، ص ۱۳۴)؛ «مردم سلحشور ایران...» (همان، ص ۱۵۵)؛ «جوانان برومند ما - این فرزندان اسلام و میهن که چشم امید ملت به آنها است» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۶۸)؛ «ای عزیزان که به اسلام عشق می‌ورزید و با عشق لقاء الله به فداکاری در جبهه‌ها و در سطح کشور به کار ارزشمند خود ادامه می‌دهید...» (همان، ص ۶۶)؛ «جوانان شجاع ایران...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۱۴۴)؛ «ایران قهرمان...» (همان، ص ۱۴۶)؛ «این عزیزان مجاهد فی سبیل الله...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۴۲۲)؛ «مردم کارآزموده و متوکل ما...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۹۰)؛ «ملتی که پیشنهاد سیاست آشتی ملی را، که جز خدعه‌ای نبود، به چیزی نشمرد...» (همان، ج ۴، ص ۳۴۹)؛ «جوانان پرشور و شهادت‌طلب...» (همان، ج ۲۱، ص ۸۲)؛ «فرزندان عزیز اسلام ناب محمدی» (همان، ص ۳۳۰)؛ این نمونه‌ها و صدها نمونه دیگر که در پیام‌های امام به وفور دیده می‌شود به همان اندازه که صفات و برجستگی‌های ملتی بزرگ را می‌ستاید، به تواضع امام(ره) در برابر ملت اشاره دارد.

تواضع در برابر مخاطبان: کلام امام(ره) متواضعانه است. احترام او به مخاطبان پیام‌هایش و تواضع او در برابر آنها در بندهند پیام‌هایش جاری است. عبارات زیر گوشه‌ای

از این تواضع امام (ره) را نشان می‌دهد: «من در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم...» (همان، ج ۲۱، ص ۹۳) یا این عبارت، که می‌گوید: «در شرایط کنونی... تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم و اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام. عزیزانم، شما می‌دانید که تلاش کرده‌ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم ندارم...» (همان، ص ۹۵) و این بیانات که در رثای آنان گفته‌اند: «قلم و بیان اینجانب عاجز است از قدردانی و شکرگزاری از مجاهدین فداکار اسلام...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۳۹۸) یا «اینجانب... دلم با ملت و ارتش اسلامی - ملی است و دعای ناچیزم بدرقه آنان... و تا رمقی دارم چون خادمی فداکار در خدمت همه هستم.» (همان، ج ۱۲، ص ۱۴۹) و این بیانات دربارهٔ جوانان:

اینجانب هنگامی که این جوانان عزیز در عنفوان شباب را که با گریه از من عقب مانده تقاضای دعا برای شهادت می‌کنند، مشاهده می‌کنم از خود مأیوس و از آنان شرمنده می‌شوم و هنگامی که عکس‌های متعدد این شهیدان نورانی را می‌نگرم و ارزش‌های انسانی و مقامات الهی آنان، که خود از آنها به مرحله‌هایی دور هستم غبطه می‌خورم و چون به مادران و پدران این جوانان و نوجوانان شهید برخورد می‌کنم و آن شجاعت‌ها و شهامت‌های فوق تصور را از آنان مشاهده می‌کنم احساس حقارت می‌کنم... (همان، ج ۱۷، ص ۳۰۵).

یا در وصف ملت و رزمندگان می‌فرمایند: «من با کمال تواضع، از این مدافعان پیروز می‌خواهم که هیچ‌گاه از نصرت حق و توکل بر خدای بزرگ غافل نباشید... خداوند بر ما منت نهاد که در سایه این ملت زندگی می‌کنیم» (همان، ج ۲۰، ص ۳۱۳). ایشان در وصف ایثارگران متواضعانه می‌گویند:

ما را چه رسد که با این قلم‌های شکسته و بیان‌های نارسا در وصف شهیدان و جانبازان و مفقودان و اسیرانی که در جهاد فی سبیل الله جان خود را فدا کرده و یا سلامت خویش را از دست داده‌اند یا به دست دشمنان اسلام اسیر شده‌اند مطلبی نوشته یا سخنی بگوییم... (همان، ج ۱۹، ص ۴۰).

«هیچ» در برابر «همه چیز»^۱

اگر بخواهیم تصویر امام را آنچنان که خود ترسیم کرده است بررسی کنیم، به عرفان و شناخت دیگری از امام پی می‌بریم. «همه» به جز خدا «هیچ هستند» و خداوند «همه چیز»

۱. برگرفته از بیت «در پریشانی ما هرچه شنیدی هیچ است/ هیچ را کس نتوانست که نابود نمود»، دیوان اشعار امام خمینی (ره)، ص ۱۱۴.

است و «همه» به سوی او برمی‌گردند. او از «نیستی» همه در برابر خداوند سخن می‌گوید. مانند این عبارت ایشان، که می‌نویسند: «ما یک متاع باارزش داریم که همه این مکتب‌هایی که اسمشان را مکتب مترقی می‌گذارند در مقابلش هیچند» تا این جملات که «ما همه راضی هستیم به رضایت او از خود که چیزی نداریم، هرچه هست اوست» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۱۴۷)؛ یا این عبارات که «هیچ نصری جز از او نیست... هرچه دارید و داریم و دارند از اوست و ما عدم‌هاییم، هستی‌ها نما...» (همان، ج ۱۸، ص ۱۴۹) تا این نیایش که:

خداوندا! ما هیچیم هیچ! و هرچه هست از تو و به سوی تو است. ما به قدرت مطلق تو امیدواریم و از تو استمداد می‌کنیم. اگر تو با مایی شکست و پیروزی را به پیشیزی نمی‌شناسیم... خداوندا، همه چیز تویی و غیر از تو همه هیچ. خداوندا، تو عزیزی و غیر از تو همه ذلیل. خداوندا، تو غنی‌ای و غیر از تو همه فقیر... (همان، ج ۲۱، ص ۱۴۷).

اینها و نمونه‌های بسیار دیگری از این دست نشانگر بینش عمیق او و پاسخ بزرگ او به همه «چرا»های عالم هستی است که در بن‌بند پیام‌ها و نوشته‌هایش هویداست. گویی برای رسیدن به چنین مقصدی است که او به همراه ملتی که همه چیز او هستند سفری بزرگ را از «هیچ» به سوی «همه چیز» آغاز می‌کند.

سفر از «هیچ» به سوی «همه چیز»^۱

فقط بندگان راستین و حق‌خواه به سوی خدا حرکت و در این راه خدا قیام می‌کنند. در همه پیام‌های امام(ره) دعوت به چنین حرکتی عیان است. امام(ره) خود سالک حرکتی به سوی خداست که «همه چیز» است و دیگران را هم بدان فرامی‌خواند. بارزترین شاهد این ادعا تاریخی‌ترین پیام ایشان به ملت ایران است. در این پیام که در اردیبهشت ۱۳۲۳ صادر شده است، امام(ره) با اشاره به آیه «قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفُرَادَىٰ؛ «ای رسول، بگو به امت، که من به یک سخن شما را پند می‌دهم و آن سخن این است که شما خالص برای خدا، دو نفر دو نفر با هم یا هر یک تنها، قیام کنید» (سبأ، ۴۶). قیام برای خدا را تنها راه اصلاح دو جهان دانسته است (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۱) و در مقابل قیام برای نفس را موجب اشتداد و ضعف در نهاد آدمی و سرچشمه همه «نیستی»ها (همان، ۱۳۶۸، ص ۲۲) و منشأ همه بدبختی‌ها می‌داند (همان، ص ۲۳). امام خمینی(ره)

۱. برگرفته از بیت «سفر از هیچ به سوی همه چیزم در پیش...»، دیوان اشعار امام خمینی (ره)، ص ۱۶۹.

بارها و بارها در پیام‌های خود تأکید می‌کند که همه به سوی خداوند در حرکت هستند و همه حرکت‌ها باید در راه قیام برای خدا باشد. همه پیام‌های امام (ره) به سادگی و وضوح و بدون استثناء سرشار از این اعتقاد است. از نظر ایشان مقصد چنین هدفی رسیدن به «همه چیز» است، هدفی که همه انبیای الهی در پی آن بوده‌اند. او در همین پیام خطاب به همه افشار ملت، از آنها دعوت به قیام برای خدا می‌کند و خاطرنشان می‌کند با چنین عملی به «همه» سعادت‌های دو جهان نائل می‌شوند و به زندگانی شرافتمندانه در دو عالم خواهند رسید (همان، ص ۲۳). او تأکید می‌کند که چون به خدا برسید و به او توکل کنید به همه چیز خواهید رسید.

بنابراین امام خمینی (ره) همان‌گونه که در اولین پیام خود به ملت «قیام برای خدا» را سرلوحه کار خود قرار داده بود، تا آخرین پیام خود نیز به آن وفادار ماند. او می‌گوید:

برگشت به یک کلمه است و آن «معرفة الله» [است]. تمام، مقدمه این است. اگر دعوت به عمل صالح شده است، اگر دعوت به تهذیب نفس شده است، اگر دعوت به معارف شده است، تمام برگشتش به این است که آن نقطه اصلی را که در فطرت همه انسان‌ها هست، حجاب را از... [آن] بردارند تا انسان برسد به او، و او معرفت حق است، مقصد عالی همین است... (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۰، ص ۱۷).

از این نگاه، امام جهان را کثرتی رو به وحدت می‌بیند و هدف آفرینش را وصول به ذات باری تعالی و لقاء او می‌داند. به همین دلیل است که آیه استرجاع، بارها و بارها در پیام‌ها و از جمله وصیت سیاسی الهی ایشان به چشم می‌خورد، آیه‌ای که می‌گوید «همه از خدایم و به سوی او برمی‌گردیم» (امام خمینی، ۱۳۶۸، ص ۸۶).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحلیل‌ها و بررسی‌هایی که در پی یافتن مختصات و ویژگی‌های پیام امام خمینی (ره)، در این پژوهش انجام گرفته، نشان‌دهنده آن است که روی سخن امام (ره) به عنوان رهبر یک حرکت بزرگ تربیتی، جان الهی همه انسان‌ها بوده است. بنابراین در پیام‌های خود از ساده‌ترین و صریح‌ترین ادبیات بهره می‌جوید و همه پیام‌هایش حاکی از احترام، عشق، اعتماد و تواضع او نسبت به انسان‌هاست. او آنها را شایسته آگاهی می‌داند و به آنها هویتی محکم می‌بخشد. اساساً چنین تواضعی موجب می‌شود که او خود را در توده مردم محو ببیند. او از زبان آنها سخن می‌گوید و در فراز و فرودهای این حرکت بزرگ، دوشادوش آنهاست، بنابراین پیام‌هایش مملو از ارجاعات واقعی و مفاهیمی است که مورد پذیرش

همه و نقطه جمع آنهاست. همین بررسی‌ها نشان می‌دهد که او در سیری عارفانه و آگاهانه، در قدم نخست خود را در برابر «همه» - مردم - در شمار نمی‌آورد و در مرحله بعد «همه» - خود و مردم - را در برابر خدا «هیچ» می‌داند. همه این مراحل مقدمه‌ای برای سفری بزرگ از «هیچ به سوی همه چیز» می‌شود و او به همراه «همه» حرکتی آگاهانه به سوی خدا و قیام برای او را آغاز می‌کند.

آنچه در پایان این نوشته می‌توان گفت این است که امام از خودی خود گذشته و «ما» و «من» را به کناری نهاده است. مقام «هیچ» شدن مقام بزرگی است که جز سالکان مسلک «نیستی» به آن نمی‌رسند. «هیچ» دانستن خود و حرکت به سوی مبدأ خلقت که «همه چیز» است و درک چنین سیلانی بین «همه» و «هیچ» به «نیستی»ها و «هستی»های مسیر خطیر و مهم تعلیم و تربیت، معنایی تازه می‌بخشد. امید که چنین رویکردی با همه نمودهای زمینی و آسمانی‌اش که در این مقاله به شمه‌ای کوتاه از آن پرداخته شد، مورد استفاده همه مربیان و معلمان و همه کسانی که دست در کار تربیت انسان دارند، قرار گیرد و نوشیدن چنین ساغری از کلام الهی امام(ره) حسن ختام این «عدم اندر عدم‌نامه» باشد.^۱

۱. عبارات داخل گیومه برگرفته از اشعار عرفانی حضرت امام خمینی(ره) است؛ ابیاتی چون «این همه ما و منی جمله ز عقل است و عقل است... در خلوت زندان نه منی هست و نه مایی» (خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۸۷)؛ «گر سالک او منازلی سیر کند/ خود مسلک نیستی بود منزل ما» (همان، ص ۴۴)؛ «نیستم نیست که هستی همه در نیستی است/ هیچم و هیچ که در هیچ نظر فرمایی» (همان، ص ۱۸۷)؛ «به ساغر ختم کردم این عدم اندر عدم‌نامه/ به پیر صومعه برگو ببین حسن ختامم را» (همان، ص ۴۰).

منابع

- امام خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸)، متن کامل وصیت‌نامه سیاسی - الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره)، چ ۲۲، تهران: نشر دانش پرور.
- _____ (۱۳۷۲)، دیوان امام: مجموعه اشعار حضرت امام خمینی (ره)، چ ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۸۹)، صحیفه امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- «نرم‌افزار مجموعه آثار حضرت امام خمینی (ره)»، محصول مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.